

سیف:

استان‌ها به میزان رونق تولید و اشتغال، تسهیلات می‌گیرند

● **ایرنا:** رئیس کل بانک مرکزی گفت: در اجرای سیاست‌های جدید هیچ محدودیتی برای استان‌های مختلف وجود ندارد و به میزانی که استان بتواند رونق تولید و اشتغال ایجاد کند، تسهیلات دریافت می‌کند.

ولی‌الله سیف ظهر دوشنبه در بدو ورود به گرگان در دیدار با نماینده ولی فقیه در استان و استاندار گلستان، تصریح کرد: در گذشته سیاست‌هایی مبنی بر توجه به صنایع بزرگ وجود داشت، اما در سال جاری و با توجه به تأکیدهای رهبر معظم انقلاب، دولت توجه به صنایع کوچک و متوسط را در اولویت قرار داده است.

وی با تأکید بر اهمیت توجه به صنایع کوچک و متوسط، اظهار کرد: اگر چه صنایع بزرگ نقش قابل توجهی در اقتصاد کشور دارند، اما صنایع کوچک و متوسط می‌توانند موجب رونق تولید و افزایش اشتغال شوند. رئیس کل بانک مرکزی یادآور شد: سیاست‌های ابلاغی جدید با بررسی همه اقدامات گذشته صورت گرفته و ضمن رفع مشکلات پیشین، تلاش شده است تسهیلات بانکی به واحدهایی اعطا شود که بتوانند خود را از حالت رکود خارج کنند. سیف ادامه داد: به‌طور یقین، واحدهایی که بازار لازم برای ارائه محصولات خود را ندارند، نمی‌توانند از این تسهیلات استفاده کنند و ما باید منابع را به واحدهایی اختصاص دهیم که موجبات رشد و توسعه را فراهم می‌کنند. رئیس کل بانک مرکزی در بخش دیگری از سخنان خود به میزان رشد اقتصادی صورت‌گرفته در کشور اشاره کرد و افزود: براساس آمار بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، در سه ماهه اول سال ۹۵ شاهد رشد مثبت ۴/۴ درصدی بوده‌ایم و به طور یقین، این رشد در سه فصل دیگر امسال نیز تکرار خواهد شد.

معادل ۷۵۰ هزار تومان تیبایگران شد

● **ایستا:** گروه خودروسازی سایپا قیمت خودرو تیا را ۷۵۰ هزار تومان گران کرد. خودرو تیا مدل SX تا پیش از این به قیمت ۲۴ میلیون و صد هزار تومان عرضه می‌شد. اما سایپا از روز شنبه هفته جاری با ارسال بخش‌نامه‌ای به نمایندگی‌های فروش خود، قیمت این محصول را به ۲۴ میلیون و ۸۵۶ هزار تومان افزایش داده است. مشخص نیست اقدام سایپا در افزایش قیمت تیا با مجوز شورای رقابت صورت گرفته یا اینکه این شرکت راساً و بدون مجوز، اقدام به افزایش قیمت این خودرو کرده است. با افزایش قیمت کارخانه‌ای تیا، قیمت این محصول در بازار آزاد نیز معادل ۷۵۰ هزار تومان افزایش یافته است.

پیشنهاد نفتی ایران به افغانستان

● **مهر:** معاون وزیر نفت با بیان اینکه ایران آماده ساخت پالایشگاه نفت در افغانستان است، ساخت لوله صادرات سوخت به این کشور را فعلا منتفی اعلام کرد و گفت: توان تأمین ۳۰ساله سوخت افغانستان را داریم. عباس کاظمی با اشاره به شمارش معکوس بهره‌برداری از یک بانک جدید فرآورده‌های نفتی در استان خراسان جنوبی، گفت: انبار جدید نفتی بیرجند از ظرفیت ذخیره‌سازی صد هزار بشکه انواع فرآورده‌های نفتی برخوردار بوده که تا دو ماه آینده در مدار بهره‌برداری قرار می‌گیرد. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با اعلام اینکه هم‌اکنون ایران توان تأمین ۳۰ساله فرآورده‌های نفتی مورد نیاز افغانستان را دارد، تصریح کرد: براساس این افغانستان باید درباره تأمین فرآورده‌های نفتی و مطالعه ایجاد خط لوله انتقال به این کشور وارد مذاکره شود. معاون وزیر نفت با اعلام آمادگی تأمین فرآورده‌های نفتی مورد نیاز این کشور همسایه، اظهار کرد: در شرایط فعلی با توجه به سطح مبادلات نفتی بین دو کشور، ساخت خط لوله انتقال فرآورده‌های نفتی به افغانستان توجیه اقتصادی ندارد. این مقام مسئول با یادآوری اینکه امسال به ظرفیت پایداری صادرات ۴۰۰ هزار بشکه فرآورده‌های نفتی در روز رسیده‌ایم و این در شرایط حاضر رکورد چشمگیری به شمار می‌رود، تأکید کرد: در هر خط انتقال فرآورده نفتی باید بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون لیتر سوخت جابه‌جا شود. این مقام مسئول افزود: در صورتی‌که صادرات نفت به افغانستان افزایش بیشتری پیدا کند و احداث خط لوله جدید توجیه اقتصادی داشته باشد، امکان توسعه خطوط لوله نفتی وجود دارد. کاظمی با اشاره به صف کشتی‌های نفتکش برای صادرات فرآورده‌های نفتی به‌ویژه گازوئیل در بنادر و پایانه‌های نفتی جنوب کشور، یادآور شد: افغانستان درصورتی‌که برای ساخت خط لوله مشترک نفتی تمایل دارد، باید وارد مذاکره شود. مدیرعامل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی، افزود: هم‌اکنون ایران به این اطمینان رسیده که می‌تواند به افغانستان فرآورده نفتی صادر کند و مطالعه ایجاد خط لوله انتقال به افغانستان هم در صورت انجام مذاکرات بیشتر بین دو کشور امکان‌پذیر است. معاون وزیر نفت در پایان خاطرنشان کرد: در صورت انجام مذاکرات بیشتر، ایران آمادگی ساخت یک پالایشگاه مشترک نفتی را در افغانستان دارد.

شرق: علی لاریجانی هم به جبهه کسانی پیوست که می‌خواهند دیپلماسی در خدمت اقتصاد باشد. پیش از این فعالان اقتصادی بارها از جدایی بین سیاست و اقتصاد ایرانی گلایه داشتند و از اینکه منافع اقتصادی مورد توجه سیاستون نیست دلگیر بودند؛ از این رو سال‌هاست خواستار کمک سیاست و دیپلماسی به اقتصاد هستند. در سه سال اخیر رئیس‌جمهوری بارها بحث یارانه‌دادن

سیاست به اقتصاد را مطرح کرده بود و حالا رئیس مجلس شورای اسلامی با این استدلال که محور دیپلماسی باید اقتصاد و توسعه باشد، پیشنهادی را برای جذب سرمایه‌های خارجی با کمک دیپلمات‌های کشورمان مطرح کرد. به گفته لاریجانی، قرار نیست عده‌ای دیپلمات در کشورهای دیگر داشته باشیم که فقط به گفت‌وگو بپردازند بلکه گفت‌وگوها باید به جذب سرمایه‌گذار منجر شود. می‌توانیم فرمولی درست کنیم که برمبنای آن بگویم دیپلمات‌ها چنانچه بتوانند در هر کشوری فلان تعداد سرمایه‌گذار را جذب کنند، ما فلان میزان به وزارت خارجه کمک می‌کنیم. این برای دیپلمات‌ها انگیزه ایجاد می‌کند. به گزارش ایسنا، لاریجانی در سخنانی در نشست کمیسیون تلفیق رسیدگی به برنامه ششم توسعه کشور، افزود: کشورهایی موفق شدند که دیپلماسی اقتصادی داشتند، اما دیپلماسی ما امروز در خدمت اقتصاد نیست و باید فرمول آن را با کمک وزارت خارجه پیدا و تدوین کنیم. گرچه فعالان اقتصادی در گفت‌وگو با «شرق» نفس خدمت سیاست به اقتصاد را تأیید می‌کنند و آن را نوعی عاقلانه‌اندیشیدن در حوزه سیاست می‌دانند، اما اظهار می‌کنند تا بستر حضور و فعالیت سرمایه‌گذار در داخل مهیا نشود، سرمایه به ایران نمی‌آید چراکه برای سرمایه‌گذار جدای از اینکه به سود و امنیت سرمایه خود اهمیت می‌دهد، زمان نیز اهمیت بالایی دارد. آنها معتقدند جذب سرمایه‌گذار خارجی بدون بسترسازی در داخل، مانند دعوت‌کردن میهمان به سفره خالی است. مسئله دیگری که کارشناسان مطرح می‌کنند این است که به‌جای سپردن مسئولیت جذب سرمایه و سرمایه‌گذار خارجی به سفرا، حضور راین‌های اقتصادی کارا و متخصص را تقویت کنند و به آنها اختیار و ابتکارعمل بدهند؛ مسئله‌ای که در دستگاه دیپلماسی تا حدی مغفول واقع شده و در حد گم‌کردن افرادی بدون توجه به شایستگی و تخصص آنها و احتمالا با پارتی اکتفا شده است.

اول سرمایه راكد داخلي را به میدان بیاوریم

احمد کیمیایی اسدی، عضو کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران



سالانه ۳۰ تا ۵۰ میلیارد دلار جذب سرمایه‌گذاری خارجی هستیم اما اگر بخواهیم اولویت‌ها را در جذب سرمایه‌گذاری بسنجیم، ابتدا باید برای سرمایه راكد داخلي فكري كنيم. ما به سرمایه‌گذاری خارجی نیاز داریم اما فعلا سرمایه‌های داخلی هم راكد و در فضای تردید هستند. اگر فضای مناسبی برای داخلی‌ها مهیا کنیم و آنها را به میدان آوریم، احتمالا در جذب سرمایه خارجی موفق‌تر خواهیم بود و این امکان هست که خارجی‌ها هم با دیدن این مسائل ترغیب شوند و یا پیش بگذارند. دیپلماسی باید در خدمت اقتصاد قرار بگیرد اما نه اینکه سفرا این مسئولیت را بپذیرند؛ سفیر یک عنصر سیاسی است و جدای از اینکه احتمالا در اقتصاد به اندازه یک فعال یا کارشناس اقتصادی

شرق: نعمت‌زاده به سخنان ترکان واکنش نشان داد، اما اظهارات او به‌نوعی تداعی‌کننده عقب‌نشینی او در برابر اکبر ترکان، دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور، بود. با اینکه قاچاق در مناطق آزاد بارها از سوی برخی مسئولان نقد شده، امری که به‌جد از سوی دبیر شورای‌عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشود رد شده است؛ اگر ترکان در گرماگرم گفت‌وگو با رسانه ملی، در واکنش به اظهارات برخی از مسئولان در این زمینه، از کوره در رفت و نعمت‌زاده، وزیر صنعت، را که خود یکی از مخالفان این رویه در مناطق آزاد بود، نقد جدی و به او توصیه کرد بی‌محبا حرف نزنند تا او از کوره در نرود. دیروز در روز نخست هفته دولت، محمدرضا نعمت‌زاده واکنش عصبی به سخنان ترکان نشان داد. وزیر صنعت، معدن و تجارت در واکنش به اظهارات ترکان، توپ را در زمین خبرنگاران انداخت و گفت احتمالا خبرنگاران او را از کوره به در برده‌اند درحالی‌که در برنامه تلویزیونی که ترکان در آن حضور داشت، خبرنگاری در برنامه نبود و تنها اداره‌کننده برنامه، مجری بود. بااین‌حال، نعمت‌زاده گفت: این صحبت‌ها را می‌توان از چند منظر بررسی کرد؛ یکی اینکه آقای ترکان برادر خوجمان است و خودش باید پاسخ‌گوی حرف‌هایی که زده، باشد. ما هم از او به‌عنوان برادر گل و شکایتی نداریم، اما احتمالا شما خبرنگاران او را سوال‌پنج کرده‌اید که عصبانی شده است؛ البته من مصاحبه را ندهد‌ام، ام‌اگر از کوره

اقتصاد

لاریجانی دستگاه دیپلماسی را برای کمک به اقتصاد فراخواند

دعوت‌نامه سیاسی برای سرمایه‌گذاری خارجی

شناخت ندارد، مشغله او به‌عنوان سفیر نیز به‌قدری است که نمی‌تواند وقت زیادی صرف مسائل اقتصادی‌کند. علاوه بر این از سفیر تعریف سیاسی می‌شود و شاید این شائبه هم ایجاد شود که ورود به مسائل اقتصادی، خللی در وظایف دیپلماسی او وارد کند. باید راین‌های اقتصادی به دستگاه دیپلماسی اضافه شوند و از این مسیر، دیپلماسی به اقتصاد کمک کند؛ البته نیاز است راین‌های اقتصادی، از قدرت و ابتکار عمل بیشتری هم برخوردار شوند و از اقتصاد ایران و اقتصاد کشوری که به آن سفر می‌کنند، اطلاعات کاملی داشته باشند تا در مذاکرات بتوانند مزیت‌ها و فرصت‌ها را بشناسند و به جذب سرمایه‌گذار خارجی بپردازند. گویا حضور راین‌های اقتصادی در دستگاه دیپلماسی در دوره تحریم متوقف شده بود که حالا راین‌هایی به برخی از کشورها فرستاده شده‌اند اما هنوز بازخوردی از آنها به فعالان اقتصادی نرسیده است چراکه سرمایه‌گذاری خارجی با تحقیق و ارزیابی کارشناسی وارد میدان می‌شود درحالی‌که عملا در اقتصاد ایران توانسته‌ایم بستر مناسب مهیا کنیم. اگر بخواهیم سرمایه‌گذار موفق جذب سرمایه خارجی در دیگر کشورها توجه کنیم، یکی از مدل‌های موفق را کشور چین پیاده کرده است. دولتمردان این کشور در زمانی که رشد اقتصادی شروع شد، به این فکر افتادند که برای رفع نیاز به جذب سرمایه خارجی ابتدا سرمایه چینی‌های خارج از کشور را با مشوق‌های لازم جذب کنند. با تدابیری که اندیشیدند، کم‌کم سرمایه‌های چینی خارج از این کشور به چین برگشت و دیگران وقتی فضای مناسب و صرفه‌اقتصادی سرمایه‌گذاری در این فضا را دیدند، عملاً بهترین تبلیغ برای جذب بقیه سرمایه‌های چینی خارج از کشور و حتی سرمایه خارجی انجام شد. به‌رحال سرمایه‌گذار برای کسب سود و با اطمینان از حفظ سرمایه، وارد کشورهای دیگر می‌شود و پیش از ورود این مسائل را می‌سنجد؛ شرایطی که کشور ما دارد و مسائلی که در منطقه اتفاق می‌افتد، جذب سرمایه‌های خارجی را سخت کرده است. اگر می‌خواهیم سرمایه خارجی به ایران بیاید، باید فضای کسب‌وکار و شایخص‌های مانند سلامت و شفافیت اقتصادی بهبود پیدا کنند. ما در فضای کسب‌وکار رتبه ۱۱۸ جهان را داریم و در بحث سلامت اقتصادی رتبه ما از این هم نامناسب‌تر است و این محیط توان جذب سرمایه خارجی را ندارد.

دعوت میهمان به سفره خالی

سهراب شرقی، نایب‌رئیس سابق کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق ایران



سنگ بزرگ پیش پای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، موانع قانونی و بوروکراسی پریچ‌وخم اجرائی کشور است. باید توجه داشت که معمولا سرمایه‌گذارانی که اثرگذار و توانا هستند، کم‌حوصله‌اند و زمان برایشان مهم است؛ درحالی‌که مدیریت زمان در ایران اصلا موردتوجه نیست. زیرساخت‌های اقتصاد ایران، به‌خصوص در حوزه قوانین و مقررات اصلا برای پذیرش سرمایه‌گذار خارجی مناسب نیستند؛ باید قبل از دعوت میهمان، مقدمات پذیرایی را آماده کرد. سرمایه‌گذاری حاصل یک ایده در ذهن سرمایه‌گذار است که البته تاریخ انقضا دارد و این احتمال وجود دارد که با طولانی‌شدن پروسه شروع فعالیت، منصرف شود. مشکل ما در ایران این است که کارگزاران دولتی هیچ‌گونه مهارت آموزی برای جذب سرمایه‌گذاران نداشته‌اند و علاقه‌ای هم به این کار ندارند چراکه مدیران از دولت حقوق می‌گیرند و درآمد دولت هم از نفت است. باید یک سیستم تشویق و تنبیه محترمانه بر فضای مدیریتی کشور حاکم باشد که مدیر لایق و کاردانی که در بهبود فضای کسب‌وکار، کاهش بوروکراسی اداری و رفع موانع

تولید موفق عمل می‌کند، تشویق شود و مدبری که فقط بخش‌نامه و قانون و مقررات پیچیده را در نظر دارد و هیچ‌گونه ریسک‌پذیری‌ای برای رفع موانع و مشکلات ندارد، تنبیه شود. مدیر باید سرمایه جذب کند و به آن سود برساند. اگر قرار باشد مدیر ریسک‌پذیر نباشد و ابتکار عمل به خرج ندهد، هر کسی می‌تواند بر جای او بنشیند و بخش‌نامه‌ها را ملاک عمل قرار دهد.اگر بخواهیم با توسل به دستگاه دیپلماسی از خارج سرمایه جذب کنیم، باید ابتدا بسترها را آماده کنیم؛اگر بخواهیم هواییمایی فرود بیاید، اول باید باند فرود و برج مراقب و امنیت پرواز ایجاد کنیم؛ این در حالی است که در کشور، هیچ چیزی مهیا نیست. این همه هیات تجاری که در پساتحریم به ایران آمدند، همه با تحلیل آمدند اما حقیقت این است که سرمایه‌گذار، سرمایه را جایی به کار می‌گیرد که از بابت منافع و امنیت سرمایه، خیالش آسوده باشد.امنیت فقط اطمینان از مصادره‌نشدن دارایی نیست؛ امنیت یعنی اینکه بوروکراسی اداری در فعالیت اقتصادی حداقل باشد؛ وزارت اقتصاد به عنوان متولی جذب سرمایه خارجی بتواند دیگر وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها را نیز در راستای تسهیل سرمایه‌گذاری و دادن مجوز همراه کند تا قبل از پشیمانی و خستگی سرمایه‌گذار، کار تمام شود؛ نه اینکه مدام بخواهیم کار را پیچیده‌تر کنیم و عوارض بیشتری برای دولت بگیریم. در زمانی که نگاه اقتصادی ما بر پایه تمامیت‌خواهی استوار باشد، نمی‌توانیم سرمایه خارجی جذب کنیم. اول باید ساختار داخل را تغییر دهیم و بعد از سرمایه‌گذار دعوت کنیم؛اینکه دیپلماسی در خدمت اقتصاد و جذب سرمایه خارجی قرار گیرد، حرفی است که سال‌ها پیش زده شده و کسی به آن گوش نداده است؛ باید راین‌های اقتصادی توانا، کارا و دارای دانش بازاریابی بین‌المللی در سفارت‌های ایران باشند؛ درحالی‌که یکی از مشکلات اساسی ما این است که آن تعداد راینی‌ها هم که داریم بدون شایسته‌سالاری و با پارتی به عنوان راین انتخاب شده‌اند و هیچ تخصصی ندارند. در بازاریابی می‌گویند هرگز کالا را به سمت مشتری هُل ندهید بلکه کاری کنید که مشتری به سمت کالا بیاید؛ با همین رویه، وظیفه راینز با سفیر هم این نیست که سرمایه‌گذار را برای ورود به ایران تشویق کند؛ وظیفه او این است که ساختار روان و آسان کشور را به اطلاع آنها برساند و با ایجاد اشتیاق آنها را برای ورود به ایران ترغیب کند.آمریکا به عنوان غول اقتصادی دنیا به هرکسی که ۵۰۰ هزار دلار یعنی حدود یک‌میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در آمریکا سرمایه‌گذاری کند، ملیت آمریکایی می‌دهد. یا مثلاً کشورهای توسعه‌یافته به کسانی که یک شرکت ایجاد کنند، امتیازاتی می‌دهند؛ حالا بستیم ما برای کسی که یک‌میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان در ایران سرمایه‌گذاری کند یا برای کارآفرین‌ها چه می‌کنیم؟وقتی بسترهای داخلی مهیا نیست، فایده‌ای ندارد اولویت را به دیپلماسی اقتصادی بدهیم یا در بیرون از کشور مشوق‌هایی برای جذب سرمایه بگذاریم. در دولت‌های نهم و دهم حتی جایزه گذاشتند تا سرمایه خارجی جذب شود، غافل از اینکه بازخورد این جایزه در دنیا بسیار بد بود و نتیجه‌ای نداشت. چراکه گرچه از منظر اقتصادی می‌توانست توجیه داشته باشد اما معنای دیگری این بود که در داخل ایران به قدری مشکل وجود دارد که برای آمدن سرمایه‌گذاری که این مشکلات را نادیده بگیرد، جایزه هم می‌دهیم. الگوی دیپلماسی اقتصادی به معنای دعوت میهمان به سفره خالی نیست؛ باید به سمت پالایش قوانین برویم، ما برای اعطای مجوز فعالیت اقتصادی به نزدیک دو هزار اسلعلام نیاز داریم که اخیراً فراهم شده بررسی برای کاهش ۳۰۰ مورد آن در دستور کار قرار بگیرد. درحالی‌که کشورهای پیشگام در جذب سرمایه خارجی، از کشورهای حوزه خلیج فارس گرفته تا کشورهای آسیایی، کانادا و ... درصد مقررات ما را دارند و هر سال هم برای پالایش آنها تلاش می‌کنند.

نرمش نعمت‌زاده در برابر دبیر شورای عالی مناطق آزاد و ویژه اقتصاد از ترکان گله‌ای ندارم

تکنولوژی‌اش را پیشرفته و کالاهای خود را به‌روزسانی کند، مجبور است از بین برود. به دلیل ماهیت، نوع صنعت و بازار، برخی صنایع باید پیشرفت کنند. در سال گذشته در آلمان ۳۵۰ شرکت ورشکست شدند، درحالی‌که این کشور دارای اقتصادی فعال است. اما باید بدانیم این مسائل جزئی از کار است، چراکه برخی شرکت‌ها رشد می‌کنند و جلو می‌روند و برخی‌ها افت می‌کنند. وی در پاسخ به سوآلی درباره ممنوعیت تولید پراید و پژو گفت: ۱۰ سال پیش تصمیم داخلی گرفته شده بود که هر ۱۰ سال خودروهای تولیدشده از رده خارج شوند و خودرو دیگر با مشخصات جدید جایگزین آن شود. اما به دلیل قطع روابط در زمان تحریم‌ها این کار انجام نشد و تا اولین محصولات همچنان ادامه دارد. این امر براساس سیاست‌گذاری‌های صنعت انجام شده، اما این‌نامه قانونی برای الزام و جلوگیری از ادامه تولید این محصولات وجود ندارد. وزیر صنعت از نهایی‌شدن قراردادد سایپا و سترون‌تا یک ماه و نیم آینده خبر داد و گفت: ضرب‌الاجلی گذاشته‌ایم تا با کمک بانک‌ها و پیمان‌های بیرومراه تأمین مالی حداقل هفت هزارو ۵۰۰ واحد‌های تولیدی انجام شود. نعمت‌زاده همچنین درباره مخالفت‌های برخی کشورهای عربی با پیوستن ایران به WTO گفت: ۶۰ کشور باینه داده‌اند و از الحاق ایران به WTO حمایت کردند، اما متأسفانه برخی سازمان‌ها و کشورهای حوزه خلیج‌فارس خلف وعده کرده و با پیوستن ایران به WTO، مخالفت کردند.

رئیس مرکز آمار از ایستادگی چندباره در برابر درخواست افشای اطلاعات خبرداد

مجلس شورای نگهبان، پروسه خود را سیری می‌کند. به‌همین دلیل

مجلس ایرادات شکلی را به برنامه وارد کرده که در حال بحث و بررسی است، خوشبختانه تاکنون، تا جایی که من مطلع هستم، تمام

ادامه از صفحه اول

تبعیض چرا؟

پرسش این است که در تعهد رئیس‌جمهوری به اصل ۱۵ قانون اساسی آیا زبان بلوچی، گیلکی، لری و... در کنار کردی و آذری قرار دارند؛ پس چگونه است که در دولت تدبیر و امید همان تفکر تبعیض‌آمیز امکان تداوم می‌یابد؟ در جست‌وجوی علت‌ها، عدد و عقب و به زمان تصویب این اصل در قانون اساسی بازمی‌گردیم. در قضا گفت‌وگوی مرحوم مولوی عبدالعزیز و شهید بهشتی در جلد یک مشروح مذاکرات در صفحات ۵۷۴ تا ۵۷۷ ثبت شده است می‌توان به آن مراجعه کرد. این پرسش و پاسخ از این نظر که جلوگیری تصویب اصل ۱۵ قانون اساسی و موانعی را که در همان زمان وجود داشته است، به‌خوبی روشن می‌کند، مهم است و بی‌مناسبت نیست این پرسش و پاسخ در اینجا عیناً آورده شود.

سؤال مولوی عبدالعزیزملارزاده، نماینده سیستان‌وبلوچستان: اگر کسی بخواهد عربی بخواند، آیا دولت برای او معلم عربی استخدام می‌کند؟ در جست‌وجوی پاسخ باید بلوچی بخواند، آیا دولت ملزم است برای او معلم بلوچی بگیرد یا خیر. **پاسخ شهید بهشتی:** بله، دولت موظف است، یعنی دولت موظف است چیزی را که آنها حق می‌دانند، برایشان تهیه کند.

محمدامولوی عبدالعزیزسؤال می‌کند: یعنی دولت هم کتاب و هم معلم باید تهیه کند.

پاسخ شهید بهشتی: بله، من متن را یک بار دیگر می‌خوانم تا نسبت به آن رأی‌گیری شود. بعد به همین صورت که در اصل ۱۵ قانون اساسی آمده است به رأی گذاشته می‌شود و از مجموع ۶۸ نفر از حاضران ۶۲ نفر رأی موافق، بدون مخالفت و با رأی متعین بقیه تصویب می‌شود. اصل ۱۵ قانون اساسی می‌گوید: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران، فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید به این زبان و خط باشد؛ ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس در کنار زبان فارسی آزاد است.» بااین‌حال واقعیت آن است که تصویب اصل ۱۵ به همین منوال که در قانون اساسی آمده است، به همین سادگی از اجرای کامل اصل ۱۵ جلوگیری کرده است. در نگاهی به‌دور از پیش‌داوری می‌توان این نگاه را ناشی از واقعیت‌های تاریخی و هراس از تجزیه کشور و تأثیر قومیت‌ها و زبان‌ها در بخشی از هسته مرکزی قدرت فارس در نظر گرفت که اختصاص به زمان حاضر ندارد و در چند سده اخیر با جامعه ایرانی، چه روشنفکر و دانشگاهی و چه توده‌های مردم فارسی‌زبان همراه بوده است. ذهنیت غالب در جمعیت فارسی‌زبان، آن بوده و هست که وحدت ملی و طرح مسائل قومی و زبانی مغایر با حفظ وحدت ملی و ارضی کشور است و باید از هر طریق ممکن از آن جلوگیری کرد. اوج این تفکر را در نوشته‌های شخصیت‌های برجسته‌ای مانند کسروی، محمود افشاری‌زیدی، کاظم‌ادهرایرانشر و مانند آنها می‌توان یافت و اگر مقایسه‌ای مع‌الفارق تصور نشود همین تفکر را درحال‌حاضر فرهنگستان زبان و ادب فارسی نمایندگی می‌کند که اصلی‌ترین مخالف تدریس به زبان‌های قومی و غیرفارسی است، این نگاه واقعیت‌های مهمی را نادیده می‌گیرد و به‌همین‌دلیل ناخودآگاه به فارسی‌هراسی هم دامن می‌زند؛ اما مشکل فقط این نیست و در وجهت به شفاف در جامعه کارهای ایرانی دامن می‌زند.

۱- شکاف بین قانون و عمل به قانون
۲- شکاف بین قومیت‌ها در جامعه چندقومی ایران.
باین‌حال و با وجود روشن‌بودن موضوع در دولت تدبیر و امید در همین سطح محدود که گامی در جهت درست و اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی برداشته است، تبعیض‌آمیز برخورد است و این نمی‌تواند با اصل عدالت‌طلبی نظام اسلامی و اهداف وحدت‌گرایانه انقلاب اسلامی همخوانی داشته باشد. مزیت نظام اسلامی نسبت به نظام‌های رایج در گفتمان وحدت‌طلبانه آن در مقابل تفکره‌افغانانه است و اگر این گفتمان را در کشور تقویت کرد، مخدوش جلوه دهیم، دیگر مرتزی قابل دفاع جایی نمی‌ماند. شما نمی‌توانید هیچ ایرانی‌ای را ایرانی‌تر از قومیت‌های غیرفارس سراغ بگیرید. اقوام ایرانی در تاریخ این را ثابت کرده‌اند. زبان فارسی اگر واقعاً تا به این حد ضعیف بود که نمی‌توانست درمقابل زبان‌های قومی دیگر مقاومت کند و مثلاً زبان بلوچی اگر تدریس شود و از عقب براند، مطمئن باشید که هزار سال دوام نمی‌آورد. علاوه بر این توان زبان فارسی که در ذهنیت خارجی‌ها تا به این حد ناتوان تصور می‌شود، در مقاطعی از تاریخ توانسته از خلیج بنگال در شرق آسیا تا ساحل مدیترانه روابخوری گورکانی هند و خلافت عثمانی را تحت تأثیر قرار دهد و به صورت زبان رسمی دربار ایران دربیاید. این اوج‌گیری زبان فارسی با نگاه انحصارطلبانه نبود، قابلیت‌های آن به وسیله اندیشمندان، شعرا و عرفای ایرانی، ملت‌های زبان‌های دیگر ا قانع کرد که آن را در جامعه‌ای مثل هند با تنوع زبانی‌ای که دارد به عنوان زبان مشترک بپذیرند. حالا چگونه است که در داخل ایران این نگرانی شکل گرفته است که این کشور به دلیل نفوذ فارسی در زبان‌های قومی که با زبان فارسی از یک رشته‌اند، دانشگاه زبان فارسی را تضعیف خواهند کرد. به‌صراحت باید گفت این نگرانی ارتباطی با قابلیت‌های بالای زبان فارسی ندارد و با نگرانی ازدست‌دادن امتیاز ارتباط ارگانیک دارد. همچنین با قدرت مرتبط است در غیر این صورت فرهنگستان زبان و ادب فارسی در معادلسازی واژگان خارجی به‌جای آنکه سراغ واژه‌سازی‌های بنیادین خود و معادلسازی‌هایی‌برود که پس از اندک زمانی خود نیز فراموش می‌کند، به سراغ زبان‌های قومی رشددار می‌رفت که ده‌ها هزار واژه اصیل فارسی باستان همین امروز هم کاربرد دارد.